

•
علی رهنما

پشت پرده
کودتای ۱۳۳۲ در ایران

اوباش، فرصت طلبان، ارتشیان، جاسوسان

ترجمه فریدون رشیدیان



سرشناسه: رهنما، علی، ۱۳۳۱ - Rahnema, Ali ● عنوان و نام پدیدآور: پشت پرده کودتای ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) در ایران: اوباش، فرصت‌طلبان، ارتشیان، جاسوسان/ علی رهنما؛ ترجمه فریدون رشیدیان. ● مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۸ ● نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۸ ● مشخصات ظاهری: ۵۵۸ ص. ● شابک: 6-0273-06-978-622-978 ● وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا ● یادداشت: عنوان اصلی: Turncoats, Soldiers, Spook ● یادداشت: چاپ قبلی: رخداد نو، ۱۳۹۳؛ کتابنامه: ص ۵۴۷؛ نمایه. ● موضوع: نفت - ایران - صنعت و تجارت - ملی شدن - Petroleum industry and trade - Government ownership - Iran - تاریخ - کودتای ۱۳۳۲ Iran - History - Coup d'etat of 1953 - تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۵۷ - گاهشماری - Iran - History - Pahlavi, 1925-1978 - Chronology ● شناسه افزوده: رشیدیان، فریدون، ۱۳۳۲ - مترجم. ● رده‌بندی کنگره: DSR۱۵۱۹ ● رده‌بندی دیوبی: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵ ● شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۲۱۹۹۱

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان



نشرنی

پشت پرده کودتا ۱۳۳۲ در ایران (۱۹۵۳)

اوباش، فرصت‌طلبان، ارتشیان، جاسوسان
علی رهنما

مترجم: فریدون رشیدیان

ویرایش و مقابله با متن انگلیسی: نرگس ایمانی مرنی
صفحه‌آرا: اصغر قلی‌زاده

لیتوگرافی: باختر ● چاپ: غزال ● صحافی: علی

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۹، ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۲۷۳-۶

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، شماره: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com ● email: info@nashreny.com ● nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

به یاد امیر هوشنگ کشاورز صدر

پرتو تابان خوبی و درستی

ع. ۰ ر



فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۱۳
روزشمار وقایع: از ایده اولیه تا اجرای آن	۳۳
مقدمه	۴۳

فصل اول: عکس‌العمل انگلیس به مصدق زمانی که بر سر قدرت بود:

«مصی بر نفت انگلیس چنگ می‌اندازد، اما نیروی دریایی به

نجات می‌رود» (دیلی اکسپرس)	۵۹
رایحه دلنشین کودتایی در دوردست	۶۶
مصدق استعفا می‌دهد، اما فرد دیگری قادر به حکومت نیست	۶۹
زمزمه‌های تازه کودتا	۷۲
تنها راه برکناری مصدق	۷۴
نظامیان ناراضی به‌گرد زاهدی جمع می‌شوند	۷۸
نقشه کودتا فاش می‌شود: اتحاد میان خارج و داخل	۸۰
توافق بر سر دخالت خارجی	۸۴
تبعات داخلی تبانی خارجی	۸۷
ائتلاف مخالفان داخلی مصدق	۹۱

فصل دوم: مخالفان مصدق ضربه می‌زنند: آزمودن تاکتیک‌ها ۹۷ |

ساختن موج، سوار شدن بر موج، و کوبیدن آن بر ساحل مصدق	۱۰۰
--	-----

مخالفان خصومتشان را نشان می‌دهند:

- ۱۰۷ ربودن و به قتل رساندن رئیس پلیس مصدق
- ۱۱۳ ارتشی‌ها و اراذل و اوباش: جایگزین یا مکمل هم؟
- فصل سوم: در «۹ اسفند» چه کسی فرامی‌خواند و چه کسی اجابت می‌کند؟ ۱۱۹
- ۱۲۲ تشکیل سازمان‌های نظامی مخفی
- ۱۲۴ تشکیلات سیاسی ضد مصدقی: فاشیست، سلطنت‌طلب، نظامی و مذهبی
- ۱۳۳ «مجاهدان مسلمان» کاشانی و «زحمت‌کشان ایران» بقایی

فصل چهارم: طرح آژاکس: فرماندهان کمپانی (سیا) و

- کارگزاران شرکت (اینتلجنس سرویس) فکر کودتا را عملی می‌کنند ۱۳۷
- ۱۴۵ سازمان مرتبط با اینتلجنس سرویس: برادران رشیدیان
- ۱۵۱ ایرانیان انگلیسی
- ۱۵۲ شبکه رشیدیان
- ۱۵۸ رشیدیان و سفارت انگلیس در ایران
- ۱۶۴ رشیدیان پیش از کودتا از شاه مراقبت می‌کند

فصل پنجم: سازمان‌های مرتبط با سیا: تبلیغات و مبارزه ۱۶۹

- ۱۷۱ معمای برادران بوسکوئی
- ۱۸۰ سازمان قدیمی تبلیغاتی CIA
- ۱۸۲ سازمان جدید جنگی ایرانی سیا

فصل ششم: کودتای به دقت طراحی شده شکست می‌خورد:

- بازگشت به میز طراحی ۱۹۵
- ۲۰۲ عوامل ثابت و متغیر طرح آژاکس
- ۲۰۶ چرا کودتای اول شکست خورد
- ۲۰۹ فوریت تجدید نظر در تاکتیک‌ها
- ۲۱۴ طرح ترکیبی چند مرحله‌ای اصلاح شده
- ۲۱۸ شرایط به نفع کودتاچیان رقم می‌خورد

۲۲۱	فصل هفتم: قابلیت‌های شبکه‌های نظامی کودتای دوم
۲۲۵	وضعیت رزمی افسران حلقه سرهنگ زندکریمی
۲۳۳	شبکه فداییان شاه: چهل فرمانده خط مقدم
۲۴۳	فصل هشتم: کودتایی محلی و قابل اجرا
۲۴۵	«شورای جنگ» بر خاک آمریکا در ایران
۲۵۵	گزارش طرح از دید یکی از مقامات مطلع ایرانی
۲۵۶	ایجاد شرایط روانی مساعد برای کودتا
۲۶۵	فصل نهم: بسیج «مردم» در محله‌های بدنام تهران
۲۶۸	تدارک چیان «تظاهرات عظیم»
۲۷۰	آماده‌شدن برای حمله نهایی
۲۷۳	کاشتن تخم نافرمانی در سربازخانه
۲۷۵	سرکوب مخالفان سلطنت و ترساندن طرفداران مصدق
۲۷۹	خیابان‌ها برای «مردم شاه‌دوست» آماده می‌شوند
۲۸۴	حوادث مشکوک
۲۸۶	نفوذ در واحدهای دفاعی مصدق
۲۹۱	فصل دهم: کودتای دوم با حرکت گازانبری اوباش شروع می‌شود
۲۹۳	طیب و طاهر حاج‌رضایی
۳۰۰	حسین و نقی اسماعیل‌پور
۳۰۶	چوب و چماق‌های اراذل و اوباش
۳۰۹	ستون مشترک طیب - رمضون یخی
۳۱۱	محمود مسگر و بیوک صابر
۳۱۳	سایر ورزشکاران سنتی قلدر
۳۱۷	اوباش با شاه ملاقات می‌کنند
۳۲۱	فصل یازدهم: کودتاچیان مرکز شهر را اشغال می‌کنند
۳۲۵	ریخت‌شناسی تظاهرکنندگان

- ۳۲۹ برنامه چهار مرحله‌ای برای روز موعود
- ۳۳۲ گردن کلفت‌ها و هم‌مسئکانشان به حرکت درآمدند
- ۳۳۸ مسلح کردن و هدایت تظاهرکنندگان
- ۳۵۳ فصل دوازدهم: حمله به وزارخانه‌ها و ساختمان‌های طرفداران مصدق
- ۳۵۵ حمله به ادارات دولتی اطراف میدان سپه
- ۳۶۰ تخریب مقر احزاب و دفاتر روزنامه‌های طرفدار مصدق در بهارستان
- ۳۷۱ فصل سیزدهم: معمای تانک‌ها: خیانت یا عدم کفایت
- ۳۷۳ واحد تانک «الف» تحت کنترل وفاداران مصدق و مخالفان نفوذی مصدق
- ۳۷۸ روایت عجیب واحد تانک «ب»
- ۳۸۱ واحد تانک «پ» به نیروهای کودتا تحویل داده شد
- واحد تانک «ت» از طریق فعالیت هماهنگ شده شبکه‌های همدست
- ۳۸۵ در توطئه به دام می افتد
- ۳۹۹ فصل چهاردهم: سرنگونی مصدق
- ۴۰۰ رادیو تهران سقوط می کند
- ۴۰۴ زاهدی کجاست؟
- ۴۰۸ به سوی هدف نهایی: حمله به منزل مصدق
- ۴۱۵ مذاکره بر سر تسلیم مصدق
- ۴۱۸ جشن و ضیافت گفتارها
- ۴۲۱ فصل پانزدهم: نمایندگان مذهبی و کودتا
- ۴۲۴ آیت الله بهبهانی
- ۴۲۶ آیت الله کاشانی
- ۴۲۹ آیت الله العظمی بروجردی
- ۴۴۰ سید مجتبی نواب صفوی
- ۴۴۳ فصل شانزدهم: چرا کودتای دوم موفق شد؟
- ۴۴۳ اولین عامل: کارایی کودتایی با چندین بازیگر

دومین عامل: حکمرانی اغتشاش	۴۵۰
سومین عامل: ترک خدمت در اردوگاه مصدق و کله شقی نخست‌وزیر	۴۵۵
چهارمین عامل: ویژگی‌های اخلاقی خاص مصدق	۴۶۲
پنجمین عامل: مسئله پول	۴۷۰
فصل هفدهم: خروج مصدق: کودتا یا انتقال قانونی قدرت؟	
یک کودتا	۴۸۲
توجیه کودتا	۴۸۷
راه‌حل‌های برکناری مصدق: از طریقی ظاهراً قانونی	
و یا از طریق کودتای نظامی	۴۸۹
دوراهی اخلاقی، قانونی و سیاسی مصدق	۴۹۳
آیا انحلال مجلس هفدهم کودتا را توجیه می‌کرد؟	۴۹۹
نتیجه‌گیری	۵۰۷
شخصیت‌ها	۵۲۳
منابع	۵۴۵
نمایه	۵۵۱



پیش‌گفتار

تاریخ‌نگاری دوره مصدق، چه رسد به واقعه سرنگونی او، به علت نقصان شناخت ما از این دوره، در طفولیت خود به سر می‌برد. رشد این طفل به علت جو سیاسی حاکم پس از برکناری مصدق، متوقف شد. در دوره بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، موضع رسمی دولت مصدق را دولت‌مردی تشنه قدرت و عوام‌فریب معرفی می‌کرد که با سوءاستفاده از احساسات ملی‌موجه مردم ایران در جهت اهداف سیاسی ضد قانون اساسی، ضد سلطنت و ضد دموکراتیک خود حرکت می‌کرد. فاتحان آن جدالی که سرانجامش سرنگونی خشونت‌آمیز مصدق بود، می‌بایست حتی اگر توجیحی برای اعمال خود ارائه نمی‌دهند، دست‌کم آن‌ها را توضیح دهند. در دادگاه مصدق، دادستان نظامی حسین آزموده، نخست‌وزیر برکنار شده را به خیانت، بی‌احترامی، عوام‌فریبی، ورشکست‌کردن کشور، شورش در برابر قانون اساسی، خدمت به منافع بیگانگان، سعی در سرنگونی سلطنت، ایجاد یک جمهوری و نهایتاً کوشش برای رئیس‌جمهورشدن متهم کرد. مجازات چنین جنایت‌هایی در صورت اثبات، اعدام بود، ولی مصدق نهایتاً به سه سال زندان محکوم شد.

تا ۲ مهر ۱۳۳۲ تیمسار فضل‌الله زاهدی، نخست‌وزیر جدید، «پنج پیغام برای شاه فرستاده بود که از او تقاضا می‌کرد به دادگاه نظامی دستور دهد تا در

اجرای حکم اعدام مصدق و دیگران شتاب ورزد»^۱. اگرچه تصمیم شاه این بود که مصدق باید محاکمه و به مرگ محکوم شود، اما پس از صدور این حکم، همچنان بین بخشیدن و اعدام او تردید داشت.^۲ می‌توان چنین فرض کرد که انصراف شاه از اعدام مصدق (که احتمالاً به دلیل عکس‌العمل منفی‌ای بود که در مردم به وجود می‌آورد) به سبب آن بود که او آگاهانه سعی می‌کرد مصدق را از حافظه عمومی ایرانیان پاک کند. این تصمیم تصمیمی برآمده از موضع قدرت بود، اما همچون عملی از سر لطف شاه به مصدق به نظر می‌رسید و در ضمن، جایگاه شاه را بر تخت پادشاهی تضمین می‌کرد. کشیدن پرده‌ای از ابهام و نادانی بر یکی از شخصیت‌های مهم تاریخی و دوره او، با این هدف که مبدا این شخصیت، افکارش و خاطره‌اش همدردی دوباره‌ای را برانگیزد، مستلزم سرکوب تاریخ‌نویسی آن دوره بود. با سرپوش‌گذاشتن‌های سختگیرانه بر این دوره حساس، سوءظن‌ها، گمان‌پردازی‌ها، هیجانات و احساسات در میان ایرانیان به شکلی مهارنشده گسترش یافت و این پرسش را برانگیخت که به‌راستی در آن سال‌ها چه اتفاقی رخ داده و چرا و چگونه آن دوران به پایان رسیده است. این تعلیق تحمیل شده از سوی بعضی خودسانسوری‌ها و نیز سانسور سخت‌تر دولت، به گسترش ناآگاهی و برآمدن قسمی یقین و اعتقادات شهودی میان کسانی انجامید که خودشان دوره مصدق را تجربه کرده بودند؛ به‌علاوه، در نسل‌های جوان‌تر نیز نوعی عطش دستیابی به حقیقت را برانگیخت.

این‌که مصدق چگونه، چرا و توسط چه کسانی از کار برکنار شد احتمالاً

۱. آرشیوهای امنیت ملی، ۰۱۳۸۳۷۶۵، C، از روزولت، ۲۴ اکتبر ۱۹۵۳:

<http://www2.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB435/docs/Doc%2015%20-%201953-09.20%20Intrigues%20-%20Behbehani%20son%20-%20etc.pdf>.

۲. آرشیوهای امنیت ملی، ۰۱۳۸۳۷۷۵، C، از روزولت، ۲۰ اکتبر ۱۹۵۳:

<http://www2.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB435/docs/Doc%2015%20-%201953-09.21%20Intrigues%20-%20Behbehani%20son%20-%20etc.pdf>.

احساسات برانگیزترین، مبهم‌ترین و حساس‌ترین بخش این معما باقی مانده است. فعالیت‌ها، قول‌وقرارها و ترفندها برای برکناری مصدق، خصوصاً به دلیل نقش مشکوک نیروهای خارجی درگیر در آن، همواره مبهم، ضد و نقیض و پیچیده باقی ماندند. مداخله خارجی‌ها در آن زمان، به مثابه عاملی شناخته شده، دو مشکل اساسی به وجود آورد که به واسطه این مشکلات، انجام یک تحقیق درخور تقریباً غیرممکن شد: نخست عدم دسترسی به منابع بایگانی شده خارجی که می‌توانست چنین مداخلاتی را نشان دهد و صحت و یا نادرستی این دعوی را عیان سازد؛ دوم، ممنوعیت تحقیق کردن در ایران به سبب ترس از این که یک تحقیق جدی بتواند شواهدی فراهم آورد در این باره که به راستی، آخرین پرده نمایش مصدق محصول مستقیم مداخله خارجی بوده است. ماجرای مصدق، به خصوص نقطه پایان آن، برای محمدرضا شاه همواره یک عامل مهم نگران‌کننده باقی ماند. مشکل حل ناشدنی شاه بعد از ماجرای مصدق این بود که به رغم آرزوی شاه برای فراموش کردن این دوره ناخوشایند، او حتی در روزهای آغازین پس از برکناری مصدق، می‌دانست که عموم مردم بر این باورند که برکناری مصدق به سبب محافظت از منافع اقتصادی و سیاسی قدرت‌های خارجی انجام گرفته است.

در ۸ دی ۱۳۳۲، هفته‌نامه فردوسی با ظرافت و مهارت تمام - که از خصوصیات مطبوعات تحت کنترل شدید هستند - این باور عمومی را نشان داد، آن هم با چاپ دو عکس هم‌اندازه در کنار یکدیگر تحت عنوان «خبرهای هفته». در سمت راست، عکسی بود از مصدق رنجیده حال و آزرده خاطر، که در زیر آن نوشته شده بود: در ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۳۰ آذرماه، دادگاه مصدق، که وقایع بین ۲۵ تا ۲۹ مرداد را بررسی می‌کرد، بعد از مشورت رأی نهایی خود را صادر کرد و مصدق را مقصر تشخیص داد. در سمت چپ، عکسی بود از دنیس رایت^۱ که در زیر آن نوشته شده بود: در

ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۳۰ آذرماه، آقای رایت، کاردار جدید سفارت انگلیس، با چهارده کارمند وارد تهران شدند و در همان شب امور سفارت انگلیس را در دست گرفتند و مشغول به کار شدند. به شکلی ساده، پیام این تصویر آن بود که مصدق می‌بایست زندانی می‌شد تا انگلیسی‌ها بتوانند به ایران بازگردند و منافع خود را دنبال کنند.

با سقوط محمدرضا شاه، تحقیق دربارهٔ دورهٔ مصدق در ایران آزاد شد. آزادی تفکر، صحبت کردن و نوشتن دربارهٔ این دوره امکان انتشار آثار مختلف (با کیفیت‌های متفاوت) دربارهٔ دولت مصدق و میراث او را فراهم آورد. همچنین بخشی از مانع دوم نیز برطرف شد و دسترسی به آرشیوهای مهم انگلیس و آمریکا و نیز گزارش‌های داخلی مهم سیا امکان‌پذیر شد. عامل سومی هم امکان تحقیق دربارهٔ جزئیات وقایع را سهولت بخشید: مصاحبه با بازیگران خارجی و ایرانی این رویداد، به‌خصوص مقامات ایرانی‌ای که بعد از انقلاب ۱۳۵۷ ایران را ترک کرده بودند و احساس می‌کردند که می‌توانند آشکارا دربارهٔ این دوره صحبت کنند، اطلاعات باارزشی را فراهم ساخت. علاوه بر این‌ها، مجموعهٔ در حال افزایشی از خاطرات شخصیت‌های ایرانی و نیز انتشار سندهای امنیتی مربوط به شخصیت‌های مهم ایرانی از سوی سازمان‌های مختلف ایرانی که به این اسناد دسترسی داشتند، اطلاعات تکمیلی‌ای را در اختیار پژوهشگران قرار داد. با دسترسی بیشتر به روزنامه‌ها و مجلات ایرانی آن زمان در کتاب‌فروشی‌های ایران و خارج از کشور، انجام یک مطالعهٔ عمیق و دقیق برای تأیید و بررسی این وقایع آسان‌تر شد. حدود چهار دهه از رفتن شاه و بیش از شش دهه از برکناری مصدق می‌گذرد. تاریخ‌نویسی دربارهٔ دورهٔ مصدق، توسط هر دو گروه از محققان خارجی و پژوهشگران ایرانی، به خلق آثار فرهنگی و علمی مهمی انجامیده است. لیکن اغلب این پژوهش‌ها در سطح کلی و عمومی انجام شده‌اند و مطالعات و تاریخ‌نگاری‌های خرد در این زمینه هنوز هم کمیاب‌اند: مطالعاتی که بر جنبه‌های محوری و

برجسته مقاطعی خاص از این دوره متمرکز می‌شوند و خودشان از ملزومات بررسی‌های کلی و عمومی‌اند.

احتمالاً موضوع خاص برکناری مصدق از قدرت، بیش از سایر جنبه‌های زمام‌داری وی، توجه‌ها را به خود جلب می‌کند. مجهولات و نادانسته‌ها دربارهٔ سرنگونی مصدق و اثرات سیاسی-اقتصادی و نیز اجتماعی-روانی این سرنگونی، تا حدی می‌تواند علت علاقه به این دوره را توضیح دهد. این موضوع همچنین امکان مطالعهٔ موردی یک کشور جهان‌سومی در اوایل سال‌های ۱۳۲۹ (۱۹۵۰) را فراهم می‌آورد؛ کشوری که با منافع قدرت جهانی برتر مبارزه می‌کند. علاوه بر این‌ها، اثرات درازمدت برکناری مصدق بر روابط میان ایران و آمریکا نیز باعث علاقه‌مندی به مطالعهٔ این دوره می‌شود. توجه و علاقه‌مندی به دورهٔ خاص نخست‌وزیری مصدق غالباً این میل شدید را در افراد برمی‌انگیزد تا دریابند آیا سرنگونی دولت مصدق نتیجهٔ یک برنامه‌ریزی خارجی بوده است یا یک نقشهٔ کاملاً داخلی، و یا مجموعه‌ای از هر دوی این‌ها. این نقشه چگونه شکل گرفت؟ چه کسانی آن را طرح کردند؟ چه کسانی آن را پی گرفتند؟ چه کسانی و چگونه آن را به اجرا درآوردند؟ از آنجایی که در نقشهٔ سرنگونی مصدق هیچ سرباز خارجی‌ای شرکت نداشت، لازم است در صورت پذیرش هریک از این سه سناریو، توضیحاتی داده شود در خصوص این‌که سازمان‌دهندگان ایرانی این نقشه چه کسانی بودند، طراحان و اجراکنندگان آن چه افرادی بودند، و کودتا چگونه انجام شد.

نتایج حاصل از چنین مطالعه‌ای ممکن است به جدایی سیاسی طرفداران و مخالفان مصدق دامن زند؛ برای این دو گروه «حقیقت» چگونگی سرنگونی مصدق تأییدی است بر قضاوتی که از پیش دربارهٔ ماهیت سیاسی گروه دیگر داشته‌اند. در روان‌شناسی سیاسی ایرانیان، سرنگونی مصدق باعث ایجاد یک ادراک دوگانه شده است: نیروهای نور (خیر) در جنگ علیه نیروهای ظلمت (شر). نیروهای طرفدار مصدق جبههٔ

مخالف را به تبانی با خارجی‌ها و قربانی کردن منافع ملی ایران و ایرانیان، که منجر به خیانت به نهضت ملی شدن نفت شد، متهم می‌کنند. از نظر آن‌ها، مصدق در وقف کردن خود برای حمایت از قانون اساسی، انتخابات آزاد و حق خودمختاری ایران در بهره‌برداری از منافع طبیعی‌اش کوتاهی نکرد. به عقیده آن‌ها، مصدق از پشتیبانی مردم برخوردار بود و بدون دخالت خارجی ممکن نبود که از قدرت کنار گذاشته شود. آن‌ها بر این باورند که سرنگونی مصدق بهایی بود که ایران باید به دلیل ادامه سیاست حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود می‌پرداخت. طرف‌داران مصدق سرنگونی او را عملی عامدانه و با تحریک خارجی‌ان می‌دانند.

جبهه ضد مصدق مجموعاً نهضت ملی شدن نفت را یک تلاش همگانی مثبت ارزیابی می‌کند. این جبهه نقش مصدق در جریان ملی شدن نفت را انکار نمی‌کند، اما تأکید قابل توجهی دارد بر نقش چهره‌هایی همچون کاشانی، مکی، بقایی و نیز افراد دیگری که بعدها مخالف مصدق شدند. آن‌ها ادعا می‌کنند با این‌که مصدق چهره مهمی در دفاع و کسب حق ایران برای خودمختاری اقتصادی و سیاسی بود، اما در طول زمام‌داری‌اش برخی مواقع از راه راست منحرف شد. به گفته آن‌ها، انحراف مصدق از زمانی آغاز شد که او پای در مسیر استبداد گذاشت و برای کسب قدرت اجرایی بیش از حد تلاش کرد. آن‌ها همچنین مصدق را به این دلایل به خیانت متهم می‌کنند: توطئه برای تبعید پادشاه، سرکشی در مقابل قانون اساسی با محدود کردن قدرت‌های پادشاه و مجلس، دعوت برای یک همه‌پرسی در جهت انحلال مجلس، زمینه‌سازی برای رفتن شاه از کشور با اطاعت نکردن از فرمان عزلی که مصدق را برکنار می‌کرد و تیمسار زاهدی را به جای او بر قدرت می‌نشانند. در پی اتهامات ذکر شده، این بحث مطرح شد که آن زمان که مصدق متحدان قدیمی مذهبی (کاشانی) و ضدکمونیست (بقایی) خود را رها کرد و در عوض با کمونیست‌ها تبانی کرد و به آن‌ها در کشور آزادی عمل داد، زمینه را برای قدرت‌گیری آن‌ها مهیا ساخت و باعث برانگیختن خشم بالاترین مقامات

شیعه و پیروان متدین آن‌ها شد. چنین گفته می‌شود که ضدسلطنت بودن مصدق و قصد نهایی‌اش برای ایجاد یک جمهوری، همانند قطره آخری که قدح را لبریز می‌کند، باعث سقوطش شد.

مخالفان مصدق بر این باورند که برکناری او از قدرت مجازاتی بود از سوی مردم ایران به سبب انحرافش، شورش او در مقابل قانون اساسی، احترام‌نگذاشتنش به موقعیت پادشاه در قانون اساسی، و قصد او در برکناری شاه و لگدمال کردن حساسیت‌های مذهبی مردم. این برکناری نتیجه بحران‌های داخلی کشور بود و توسط نیروهای داخلی هم رفع شد. مخالفان مصدق نقش مستقیم مداخله خارجی‌ها در این سرنگونی را یا دست کم می‌گیرند، یا بخشی از آن را نادیده می‌انگارند، و یا کلاً این نقش را انکار می‌کنند. دعوای آن‌ها با مصدق از استدلال‌های آزموده، دادستان نظامی در دادگاه مصدق، پیروی می‌کند. در این استدلال‌ها، بر این تأکید می‌شود که سرنگونی مصدق نتیجه منطقی نارضایتی‌های ایرانیان شاه‌دوست، مذهبی و ملی‌گرا بوده است.

کتاب حاضر می‌کوشد خرده‌تاریخ^۱ مفصل آن دست از وقایعی را ارائه دهد که در ۲۸ مرداد به اوج خود رسیدند. این کتاب نه درباره مصدق است و نه فهرستی است از هدف‌های دولت او و دستاوردها یا شکست‌های این دولت، بلکه بیشتر پژوهشی است در باب سرنگونی مصدق و نیز در خصوص شرایط تحقق این سرنگونی. هم مصدق و هم متحدان و مخالفانش این وقایع را به راه انداختند، به آن‌ها واکنش نشان دادند، و با آن‌ها تعامل برقرار کردند. از این رو، هر مطالعه‌ای درباره سرنگونی می‌بایست هم به مصدق و طرف‌دارانش، و هم به کسانی که او را سرنگون کردند، بپردازد و موقعیت‌ها و اعمال هر دو طرف را تجزیه و تحلیل، ارزیابی و گزارش کند. این مطالعه با تکیه بر شواهد و مدارک به کار بسته، نهایتاً قصد دارد به این سؤال

پاسخ دهد که آیا برکناری مصدق از قدرت، به دست خارجی‌ها طرح و اجرا شد، یا این‌که این واقعه یک کودتا، یک انقلاب، یک قیام خودجوش ملی و یا چیز دیگری بود. با غلبه مواضع قطبی شده، احتمالاً هر گونه نتیجه‌گیری‌ای برچسب طرف‌دار مصدق و یا ضد مصدق بودن را به این اثر و نویسنده آن خواهد زد. بازتعریف تاریخچه ۲۸ مرداد، همچون تاریخچه هر کشمکش اجتماعی-سیاسی دیگری، به بروز بعضی دلخوری‌ها و برآمدن پاره‌ای از قضاوت‌ها می‌انجامد. اثر حاضر تاریخچه‌ای است از وقایع ۲۸ مرداد برای کسانی که کنجکاوند بدانند در آن روز چه اتفاقی افتاد و چگونه چنین نتیجه‌ای حاصل شد.

من در نوشتن این کتاب، از نظر فکری مدیون افراد زیادی هستم. احمد اشرف نقشی مهم در راهنمایی من برای نوشتن این کتاب ایفا کرد. من از او به عنوان یک مخاطب دانا و الهام‌بخش قدردانی می‌کنم: یک مربی. یحیی دهقان‌پور نه تنها در یافتن کتاب‌های مورد نیازم مرا یاری کرد، بلکه در یک بعد از ظهر گرم تابستان که در زیرزمین منزلش به دنبال روزنامه‌ها و مجلات قدیمی مربوط به سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۲ بود، گنجینه‌ای را به من اهدا کرد: سه کیسه پلاستیکی بزرگ مملو از مجلات کمیاب خاک‌گرفته آن زمان، که حاوی اطلاعاتی ارزشمند درباره آن دوره بودند. تحقیقات و جست‌وجوهای من در کتاب‌خانه ملی ایران برای یافتن هفته‌نامه‌ها و کتاب‌ها تا حد زیادی به لطف پوران سلطانی، که من همیشه در تحقیقاتم مدیون او هستم، و کارمندان آن‌جا، که از کمک‌های فراوانشان سپاسگزارم، میسر و ممکن شد.

زمانی که حوادث رخ داده در ۲۸ مرداد را بررسی می‌کردم، بیش از پیش متوجه این نکته شدم که برای پی‌بردن به حرکت بازیگران مختلف این واقعه، به نقشه‌ای از تهران نیاز است تا از روی آن متوجه شد که چرا در آن روز افرادی به فلان محل رفتند و منطق جمع شدنشان در مناطق گوناگون چه بوده است. فیروز باقرزاده، انسانی محترم و پژوهشگری راستین، با تهیه سه نقشه از تهران مرا یاری کرد تا بتوانم این وقایع و منطق پشت آن‌ها را عیناً مجسم

کنم. وضوح و روشنی‌ای که این نقشه‌ها ایجاد کردند، مرا متقاعد ساخت که برای روایت وقایع روز ۲۸ مرداد به یک تاریخ‌مبتنی بر نقشه نیاز است. این کار به دست رونه کائوت، یک دانشجوی رشته تاریخ هنر از دانشگاه آمریکایی پاریس، عملی شد. او صبورانه و ماهرانه بر روی این نقشه‌ها کار کرد، علامت‌ها را چندین بار طراحی نمود، خیابان‌هایی که نامشان نوشته نشده بود را نام‌گذاری کرد و سرانجام به چهار نقشه تاریخی موجود در کتاب جان بخشید. من از او بی‌نهایت متشکرم. همچنین از زهرا برای کارش بر روی تصویر بسیار گویای جلد کتاب [چاپ انگلیسی] و از رضا برای کمکش در تهیه نمایه متشکرم.

من از دانش، سخاوت و لطف افراد زیادی بهره برده‌ام. عبدالله انوار، جان گرنی و فریدون رشیدیان اولین پیش‌نویس این کتاب را خواندند و این متن تا حد زیادی از نگاه تیزبین آن‌ها در مورد جزئیات، اشتباهات و نواقص، و به دنبال آن، از پیشنهادها، اظهارنظرها و توصیه‌های باارزش آن‌ها سود برد. مارک گازیوروفسکی این متن را با دقت خواند، درباره آن نظر داد و منابعی را به من معرفی کرد که خود به آن‌ها توجه نکرده بودم. از او تشکر می‌کنم. دانیل گان با مهربانی، مهارت جادویی خود را در ویرایش این کتاب به کار برد و آن را بیش از پیش قابل خواندن کرد. در پایان، به خوانندگان این کتاب پیشنهاد می‌کنم قبل از شروع به خواندن متن اصلی، نگاهی به بخش روزشمار وقایع بیندازند.